سپس [خداوند] بعد از آن اندوه، آرامشى [به صورت‌] خواب سبکى، بر شما فرو فرستاد، که گروهى از شما را فرا گرفت، و گروهى [تنها] در فکر جان خود بودند؛ و در باره خدا، گمانهاى ناروا، همچون گمانهاى [دوران‌] جاهلیت مى‌بردند. مى‌گفتند: «آیا ما را در این کار اختیارى هست؟» بگو: «سررشته کارها [شکست یا پیروزى‌]، یکسر به دست خداست.» آنان چیزى را در دلهایشان پوشیده مى‌داشتند، که براى تو آشکار نمى‌کردند. مى‌گفتند: «اگر ما را در این کار اختیارى بود، [و وعده پیامبر واقعیت داشت،] در اینجا کشته نمى‌شدیم.» بگو: «اگر شما در خانه‌هاى خود هم بودید، کسانى که کشته شدن بر آنان نوشته شده، قطعاً [با پاى خود] به سوى قتلگاههاى خویش مى‌رفتند. و [اینها ] براى این است که خداوند، آنچه را در دلهاى شماست، [در عمل‌] بیازماید؛ و آنچه را در قلبهاى شماست، پاک گرداند؛ و خدا به راز سینه‌ها آگاه است. (154) روزى که دو گروه [در اُحد] با هم رویاروى شدند، کسانى که از میان شما [به دشمن‌] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌اى از آنچه [از گناه‌] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید. و قطعاً خدا از ایشان درگذشت؛ زیرا خدا آمرزگار بردبار است. (155) اى کسانى که ایمان آورده‌اید، همچون کسانى نباشید که کفر ورزیدند؛ و به برادرانشان - هنگامى که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند]، گفتند: «اگر نزد ما [مانده‌] بودند، نمى‌مردند و کشته نمى‌شدند.» [شما چنین سخنانى مگویید] تا خدا آن را در دلهایشان حسرتى قرار دهد. و خدا[ست که‌] زنده مى‌کند و مى‌میراند، و خدا[ست که‌] به آنچه مى‌کنید بیناست. (156) و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه‌] آنچه [آنان‌] جمع مى‌کنند بهتر است. (157)